لکنهو در تاریخ هند مسلمان

پی ای اندروس

مترجم : عظیمایی، عبدالله

«لکنهو»یا«لکناو»مرکز ایالت«اتراپرادش» هندوستان در ساحل جنوبی رودخانهء مارپیچ«گومتی» با عرض جغرافیایی 26 درجه و 52 دقیقه شمالی و طول جغرافیایی 80 درجه و 52 دقیقه شرقی واقع‏ است.این شهر بر اساس سرشماری سال 1971 با جمعیتی نزدیک به 750512 نفر،یازدهمین شهر بزرگ هندوستان و دومین شهر بزرگ ایالت اتراپرادش‏ محسوب می‏شود.شهر لکنهو افزون بر آنکه مقر حکومت ایالتی است،محل استقرار ادارات کل ناحیه و بخش لکنهو نیز می‏باشد.

تاریخ لکنهو

هر چند داستانهای قدیمی اصل لکنهو را به تلّی از خاکهای افسانه‏ای موسوم به«لکشمن تیلا»(قلعهء نظامی پیش از تاریخ که توسط لکشمنه،برادر راما، پادشاه ایوذیه ساخته شده بود)مربوط می‏دانند،ولی‏ تاریخ شناخته شدهء شهر را می‏توان تا اوایل سدهء سیزدهم میلادی ردگیری کرد.هنگامی که شهر از سوی شیخ‏ها به تصرف درآمد،یکی از جانشینان آنها به نام شیخ محمد که به«شاه مینا»معروف بود،در میان مردم قداست فراوانی یافت و مرقد وی که در محدودهء بنای تاریخی بون قرار گرفته بود،هنوز در تمام‏ طول سال زیارتگاه مشتاقان و مخلصان اوست.افزون بر این،مرقد قدیمی‏ترین بنای کتیبه‏دار شهر به شمار می‏آید.در دورهء سلطنت دهلی،لکنهو در ارتباط با قیام‏ عین الملک،پسر ماهرو حاکم«اوده»(نام قدیم ایالت‏ اتراپرادش)علیه سلطان محمد بن تغلق نقش‏ عمده‏ای داشت.در گذر سالهای 1478-1394 م‏ لکنهو بخشی از قلمرو پادشاهی شرقی جونپور قرار گرفت و پس از چند بار دست به دست از سوی حاکمان‏ مختلف سلطنت دهلی،سرانجام بعد از تحمل تاخت و تازهای متعدد از سوی افغانها،تحت حاکمیت همایون‏ از سلسلهء گورگانی(تیموریان)هند درآمد.اکبرشاه که‏ در زمان وی ناحیهء لکنهو بخشی از قلمرو ایالت اوده به‏ شمار می‏رفت توجه و علاقه خاصی نسبت به این شهر داشت.ابو الفضل مورخ دربار اکبرشاه،از محیط شاد، آب و هوای دلپذیر و از گلها و میوه‏های زیبا و خوشمزه و انواع مختلف برنج در لکنهو فراوان یاد کرده است.درزمان سلطنت جهانگیر(1)لکنهو به صورت یکی از مراکز بزرگ تجاری درآمد.اورنگ زیب(2)در دیدار خود از این منطقه با ساختن یک مسجد بر بالای‏ لکشمن تیلا(که پیشتر ذکرش رفت)،یعنی‏ قدیمی‏ترین محل شهر،از خود یادگاری بر جا نهاد. با افول تدریجی ستارهء بخت و اقبال امپراتوری بزرگ‏ تیموری،شکوه و رونق لکنهو افزایش یافت،تا اینکه‏ پادشاهی جدید و مستقلی که شاخه‏ای نو از درخت‏ فرتوت و ضعیف آن امپراتوری بود،سر برآورد.از آن پس‏ حاکمان محلی تنها وفاداری صوری خود را به پادشاه‏ تشریفاتی دهلی ابراز می‏داشتند.

سعادت خان که از سوی امپراتور محمد شاه،در سال 1134 و 1722 به عنوان صوبه‏دار(3)منصوب‏ شده بود،سلسلهء«نواب اوده»را بنا نهاد و بیشتر افتخارات گذشتهء لکنهو،مرهون سلطنت اوست.در دورهء حکومت آصف الدوله،چهارمین فرمانروای این‏ سلسله،لکنهو به اوج پیشرفت و ترقی خود رسید.

ولخرجی‏ها و حاتم بخشیهای افراطی دربار او زبانزد بود،به طوری که تنها دربار امپراتوری دهلی‏ می‏توانست با آن برابری کند.افزون بر دروازهء رومی و مسجد مجاور آن،حسینیهء باشکوهی در شهر وجود دارد که سالن مرکزی آن،یکی از بزرگترین سالنهای‏ تاق‏دار جهان است.این بنا شاهکار و اوج پیشرفت‏ ساختمان‏سازی در دورهء آصف الدوله به شمار می‏رود.

در سال 1819 وقتی که لرد هستینگر،هفتمین و آخرین نواب وزیر یعنی غازی الدین حیدر را به عنوان‏ نخستین پادشاه اوده منصوب کرد،لکنهو در ردیف‏ شهر سلطنتی درآمد.در سال 1856،هنگامی که این‏ منطقه ضمیمهء قلمرو کمپانی هند شرقی گردید،عمر حکومت دست نشاندهء آن به پایان رسید و واجد علی‏ شاه آخرین پادشاه آن به کلکته تبعید شد و تا زمان‏ مرگش یعنی سال 1887 میلادی در همان شهر تحت‏ نظارت بریتانیا زندگی می‏کرد.

انگلیسی‏ها شهر لکنهو را به خوبی می‏شناسند.در سال 1857 بین سپاهیان شورشهای شدیدی به وقوع پیوست(سپاهیان،چند روزی شهر را تحت تصرف خود درآورده بودند که به شورش سپاهیان شهرت یافت/م). این شورش،دوازده روز به طول انجامید.در این بین‏ یک هنگ از نیروهای بریتانیایی تحت فرماندهی سر هنری لورنس و نیز عده‏ای از ساکنان بومی‏ انگلیسی‏تبار که به آنها پیوسته بودند،برای دفاع از اقامتگاه انگلیسی‏ها در لکنهو،مقاومتی سخت از خود نشان دادند.

در آن سال شهر لکنهو شاهد نبردهای خونین و خشونت‏بار بود.تاریخ لکنهو،بعد از گسترش محدودهء آن توسط بریتانیا،تاریخ طولانی از تغییرات اداری است‏ که در زمانهای مختلف بنا به مقتضیات و ضروریات‏ گوناگون انجام می‏گرفت.بعدها لکنهو در جنبش‏های‏ سیاسی هند بریتانیا،نقش بسیار برجسته‏ای ایفا کرد. پیمان مشهور لکنهو به دنبال نشستهایی در دسامبر 1916 بین کنگرهء ملی هندوستان و اتحادیهء مسلمانان‏ هندوستان(مسلم لیگ)(4)در لکنهو منعقد شد.این‏ پیمان منجر به همکاری و تعاون مسلمانان و هندوها در جنبش خلافت(5)و جنبش عدم همکاری گردید.(6)

جنبش عدم همکاری را گاندی در سال 1920 تأسیس‏ کرد.

در لکنهو بناهای تاریخی زیادی به چشم‏ می‏خورد،گنبدهای طلایی و مناره‏های باشکوهی که‏ بر بالای بسیاری از مساجد،حسینیه‏ها،قصرها و مقبره‏های شهر نصب شده‏اند،همراه با درخشندگی و شکلهای خیال‏انگیز خاص آن،لکنهو را همچون‏ پایتخت یکی از پادشاهان قدرتمند مشرق زمین‏ درآورده بود.مسجد جامع زیبا،چتر منزل باشکوه و مقبرهء طلایی رنگ شاه نجف،و نیز بناهای آصف الدوله‏ از جمله نمونه‏های بسیار عالی معماری باشکوهی‏ هستند که با ولخرجیهای نواب‏ها بنا شده‏اند.لامارتیز علامت و نشان برانگیزانندهء احساسات مسیحی در لکنهو سمبلی از تعصب و غیرت ژنرال کلودمارتین‏ (1800-1735)است؛سرباز خوش اقبال فرانسوی‏ که ثروتهای هنگفتی به هم زده و در زمان نواب‏ آصف الدوله موقعیتهای اجتماعی بالایی به دست آورده‏ بود.این بنا،از یادگارهای بسیار عالی است که ترکیبی‏ از معماری اروپایی،اسلامی،هندی در آن به کار گرفته‏ شده است.عبدالهلیم شرر از نویسندگان برجستهء اردوزبان معاصر می‏گوید:از نظر علمی لکنهو،بغداد و قرطبهء هندوستان و نیشابور و بخارای شرق بود. گلدوزی چکن که در دنیا شهرت دارد،از زمان نوابها

امام بارگاه(امام باره)ساختمانی است شبیه حسینیه در ایران که مجالس عزاداری اهل بیت(ع)در آن برگزار می‏شود.

(که به باریک‏بینی و دقت نظر معروف بودند)یکی از علایم پیشه‏وری لکنهو به حساب می‏آید.این هنر از تکامل یافته‏ترین صنایع لکنهو به شمار می‏رود.میراث‏ دیگر باقی مانده از دورهء نواب‏ها،کالاهای تنباکوی‏ خمیره و زرده است که با کیفیت بسیار بالایی به دست‏ می‏آید.اولی در سیگار به کار می‏رود و زرده جویدنی‏ است.این دو کالا در دنیا در حد خود شهرتی کسب‏ کرده‏اند.

به طور معمول در کنار نام لکنهو،مدرسه‏ای‏ مخصوص تدریس فن اشعار اردو نیز دیده می‏شود که‏ تحت نظارت و حمایت خاص نوابها،تکامل یافته است. حساسیت در ظرافت و باریک‏بینی و زیبایی که در حیات اجتماعی شهر پیش گرفته می‏شد بر اشعار اردو -که در آنجا سروده می‏شد-تأثیر بسزایی گذارده و به‏ طور کامل در آن مشهود است.زبان اردو تا حد بسیار بالایی در لکنهو تصفیه و خالص شده است.علاقه و گرایش شدید مسلمانان لکنهو به تشیع،در نوع‏ سرودن شعر،دگرگونی و فصاحتی ایجاد کرده است که‏ به مرثیه خوانی(اشعاری در خصوص مصایب امام‏ حسین(ع)و یاران او در کربلا)معروف است.انیس و دبیر دو تن از سرایندگان بزرگ این سبک شعری بودند.

توسعهء تازه‏ای که در لکنهو صورت گرفت،آن را به‏ صورت یکی از شهرهای مهم شمال هندوستان درآورد. لکنهو در مرکز ناحیهء حاصلخیزی قرار دارد که‏ محصولات کشاورزی همچون گندم،جو و دیگر حبوبات،خردل،انبه و نیشکر در آن منطقه تولید و به‏ فروش می‏رسد.کاغذ و قالی،مواد شیمیایی و دارویی، سیگار و کفش،ظروف طلا و نقره،چوبهای کنده‏کاری‏ شده و کالاهای چرمی،عطریات و گلدوزی‏ها،از جمله‏ کالاهای مهم تجاری-صنعتی لکنهو به شمار می‏روند. مرکز بسیار مهم راه آهن کشور در لکنهو واقع است.به‏ دلیل وجود پارکهای متعدد و خیابانهای زیاد،لکنهو به‏ بهشت لقب یافته است.در سال 1921،دانشگاهی‏ شبانه‏روزی با تعدادی از دانشکده‏های پسرانه و دخترانه در این شهر تأسیس شد.همچنین در این شهر چندین مدرسهء خصوصی و دولتی و موزهء ایالتی وجود دارد،به همراه دانشگاه موسیقی هندی و دو انستیتوی‏ تحقیقات ملی،انستیتوی داروسازی مرکزی و مرکز ملی گیاه‏شناسی نیز در آنجا واقع است.«ندوة العلماء» در لکنهو که به کالج ندوه( awdaN egelloC )یا مرکز مهم مطالعات اسلامی هندوستان معروف است؛بسیار مورد توجه قرار گرفته.

آثار تاریخی لکنهو

در میان آثار قدیمی،مقبرهء شیخ محمد مشهور به‏ «شاه مینا»(متوفی به سال 884 هـ.ق برخی شرح‏ احوالات پیرها،تاریخ 870 را ذکر کرده‏اند)از مشهورترین آثار به شمار می‏رود.مقبرهء شیخ ابراهیم‏ چشتی(961 هـ/4-1553)در نزدیکی«عیش باغ»، به شکل یک حجرهء مکعبی،از سنگ آهک ساخته شده‏ که شرفه‏هایی شبیه بالکن دور آن قرار دارد.در ضمن، یک گنبد کروی شکل نیز بالای استوانهء هشت ضلعی‏ قرار گرفته است.در اطراف طاق ساده و صاف درگاه‏ ورودی دو طاقچهء کوچکی که یکی فوق دیگری واقع‏ شده،وجود دارد.مجموعهء این معماری،بنا را شبیه به‏ یک بنای سلطنتی در دهلی درآورده.دو باب از مقبرهای باشکوه سلاطین تیموری در همین منطقه از نظر سبک معماری شبیه بنای تاریخی فاتح‏پور سیکری‏ است ولی تاریخ دقیق آن مشخص نیست.یکی از آن‏ دو،«ندان محل»است که به ظاهر مقبرهء شیخ عبدالرحیم خان است.این مقبره به شکل کلاه‏ فرنگی دوازده ستونی ساخته شده که بعدها به اتاق‏ مکعبی مشبک تغییر شکل داده و یک ایوان بیست‏ ستونی نیز دور آن قرار داده‏اند.چنگکهای این ایوان که‏ به طور استادانه‏ای به شکل فیل و چند پرنده درست‏ شده،سایبان(حجه)را نگه می‏دارند.دیواره یا جانپناههای این ایوان،اتاق و پایهء گنبد،با کاشی‏ موزاییک براق همراه با رنگ آبی تیره،فیروزه‏ای و زرد رنگ که در زمینهء گچکاری قرمز رنگ تیره قرار گرفته، تزیین شده است.با جزئیات این آثار می‏توان در بعضی‏ از کتابهای نقاشی آن دوره آشنا شد.مهاپدمه یا پایهء گلدسته‏ای شکل،با شبکهء گلبرگ مانندی از خطوط کاشی کاری شده،امتداد یافته است.نمای ظاهری‏ ساختمان را که در اینجا به صورت هشت ضلعی است و نیز شانزده ستونی را که یک دستهء پنجگانه از سنگ‏ قبرها را احاطه کرده،ماسه سنگهای قرمز تشکیل داده‏ است.در ضمن سقف منقوش به گل که بر یک پاسنگی‏ که با ظرافت تمام قاب سازی شده،روی این ستونها می‏دارد.با بررسی جزئیات آن روشن می‏شود که‏ سبک معماری از دورهء اکبر شاه تا

دورهء جهانگیر شاه تحولاتی یافته است. بخش جلوی مسجد اورنگ زیب،با سه تاق نمای سردر نمازخانه و سه گنبد آن،با مناره‏های بزرگ هشت‏ ضلعی نگهداری می‏شوند که نیمی از هر یک از این‏ مناره‏ها در داخل زوایای جلویی آن کار گذاشته شده‏ است.سبک معماری این بنا با سبک معماری مسجد جامع بزرگ دهلی قابل مقایسه است.در عقب مسجد نیز روزنه‏های تاق‏دار تعبیه شده است.پیش تاقهای آن‏ با سایبان منحنی شکل و چتر مانند که از پهلو آن را نگه‏ می‏دارد،خمیدگی‏های جالبی را در طبقهء بالای مسجد ایجاد کرده‏اند.آصف الدوله بعد از آنکه در سال‏ 1189 هـ/1775 م حکومت اوده را از فیض آباد انتقال داد،در سال 1198 هـ/1784 م یک بنای‏ بزرگ و تو در تو ساخت،به این شکل که مسجد آصفی‏ را داخل کاخ بون یا قلعه قدیمی بنا کرد.او با این کار می‏خواست به مردمی که در آن سال به دلیل قحطی و خشکسالی دچار مشکلات اقتصادی شده بودند، کمکی کرده باشد.سبک معماری در این مسجد،به‏ طور اجمالی از مساجد پیش از خود مایه می‏گرفت ولی‏ تفاوتهایی نیز در آن دیده می‏شود،از جمله نمازخانه آن‏ که از یازده بخش تشکیل یافته و دارای سه گنبد پیازی شکل است که از شکافهایی در طول گنبد تشکیل شده‏ و اطراف آن گوژ مانند است.تاقهای صاف روی تاقهای‏ دندانه‏داری قرار دارند که بر ستونهای قلم مانند نوک‏ تیز که نیمی از هر یک از آنها در دیوار کار گذاشته‏ شده،استوار است.سر در این تاقهای صاف را کتیبه‏های تزئین شده پوشانده است.گنبدهای ریز پیازی شکل به روی سقفهای متوالی متشکل از تاقهای‏ نفیس قرار دارد.این طرح پیشتر نیز در مقبرهء نواب‏ صف‏دار جنگ(متوفی به سال 1168 هـ/1754 م)در دهلی به کار رفته بود.نمازخانهء این بنا از یک طرف به‏ یک گذرگاه تاقدار که هر یک از تاقهای آن به صورت‏ کلاه فرنگی‏های هشت ضلعی است،ختم می‏شود و برای رفتن به نمازخانه باید از پله‏های بسیار زیادی عبور کرد.همین سبک معماری در مسجد جامعی که توسط محمد علی شاه(42-1837)ساخته شده نیز به کار رفته است.در این مسجد،پیش تاقها دیگر به شکل‏ مستطیل نیست و با قوس تیزه‏دار نگه داشته می‏شود. داخل ایوان که شبکه‏های سه کنجی آن با موجی شدن‏ خطوط کاهش می‏یابد،سه مدخل تاقدار وجود دارد. پیش تاقهای فرعی نیز در مرکز هر یک از آنها قرار دارد که در مجموع در گذرگاههای تاقدار-که از گذرگاه‏ تاقدار قبلی مرتفع‏تر است-واقع شده.برگهای فراوانی‏ در اطراف گنبد و نیز در داخل ساختمان جایی که‏ اندازهء محراب در مقایسه با مدخل سه برابر است، پراکنده می‏شوند.گلدسته‏های این بنا با طولهای‏ مختلف در یک ردیف سینهء آسمان را می‏شکافند.

اجرای مراسم تعزیه سالنهای بزرگی را طلب می‏کرد، بدین منظور بزرگترین سالن به عنوان«پاراامامبارگاه»(7) در بنای بزرگ و تو در توی آصف الدوله در سال 1784 ساخته شد(تصویر شماره 1).در این بنا سر در طویلی‏ شبیه سردر مسجد آصف الدوله تعبیه شده و در دو طبقه پایه‏های طاقچه‏دار و تاقهای سه گانه در انتهای‏ هر یک به وسیلهء پایه‏های هشت ضلعی گنبددار جدا می‏شود.تاقها و گنبدهای جان پناه در بخش بالایی‏ تکرار می‏شود که دو پایهء دیگر روی سقف بین آنها فاصله انداخته است.داخل سالن با ابعاد تقریبی 49 در 16 و در 15 متر ارتفاع دارای یک تاق بتونی سختی‏ است که از گودی‏های متوالی حاصل از برخورد تاقها به‏ وجود آمده است و مقبرهء مؤسس این بنا در وسط آن‏ واقع است.معمار این بنا فردی به نام کفایت الله بود.

سومین ساختمان از این بنای تو در تو،دروازهء رومی‏ است که گویا این نام به بخشهای بعد از دروازهء سه‏ قسمتی اطلاق می‏شود.این ساختمان به دو بخش‏ تقسیم شده که عبارتند از بخشی که دارای شیبی تند و یکنواخت است و بخشی دیگر که از کف زمین فرو رفته‏تر است.اما با عبور از رودخانه،ناگهان ایوانی‏ عظیم ظاهر می‏شود که دارای یک تاق با گلدسته‏های‏ درخشان است و چتری آن را زیر پوشش خود می‏گیرد. اما مبارای حسین‏آباد که محمد علی شاه بانی آن بود، نیز تاقهایی با اندازه‏های متفاوت همراه با گذرگاههای‏ تاقدار و گلدسته‏هایی به نمایش می‏گذارد که از نظر نورپردازی و شکل شبکی آن گنبد را به اوج‏ درخشندگی و زیبایی می‏رساند.اما مباری حضرت‏ گنج ساخت امجد علی شاه(47-1842)به نسبت‏ صاف و بدون تزیینات است،اما داخل آن مثل آن دو بنای دیگر زمانی با چلچراغهای بلورین و محرابهای‏ قیمتی به صورت ساختمانی مجلل و با شکوه در آمده‏ بود.

افزون بر مقابر موجود در امامبارا،سنت مقبره‏سازی‏ با ساختن مقبره‏هایی برای سعادت علی خان‏ (1798-1814 م)و همسرش خورشید زاده،توسط جانشین وی غازی الدین حیدر(27-1814)ادامه‏ یافت.سبک ساخت هر دو مقبره از مقبرهء صفدار جنگ‏ پیروی شده بود،به این صورت که مناره‏های کوچک در گوشهء مقبره،با چتریس اطراف گنبد اصلی پوشانده‏ شده اما فاقد پیش تاق و ایوان است.در عوض یک رواق‏ چهار ستون‏دار در هر سمت آن ساخته شده است.هر دو مقبرهء یاد شده دارای گنبدهایی با نیمرخ محکم به‏ سبک معماری اروپایی است،همراه با گلدسته‏های‏ مرتفع و زوایای نوک تیز اطراف استوانهء بلند که به ظاهر از اینوالیه فرانسه(1693-1706 م)اقتباس شده‏ است.تراکم گنبدهای کوچکتر و چندین تاق اطراف‏ مقبرهء ملکه سبک بسیار برجسته معماری هندی را به‏ خاطر می‏آورد.غازی الدین خود مقبره‏اش را با نام شاه‏ نجف ساخت که گنبد سفید نیمکره‏ای شبیه گنبد معبد بوداییان بر آن قرار دارد و گلدستهء گذرگاه تاقدار در این بخش واقع است.باغ حسین آباد دو مقبره شبیه‏ تاج محل(8)دارد که یکی از آن دختر محمد علی شاه و دیگر برای شوهر اوست.

این بنا خود بیانگر آن است که از سبک معماری‏ سنتی خود به هیچ رو بهره نبرده است.

تأثیر معماری اروپایی در بناهای علمی لکنهو هنوز به‏ خوبی هویداست.برای نمونه پنج محل که توسط خاندان شیخ‏زاده در قلعه ساخته شده،سعادت خان به‏ تصرف خود درآورد و بعد از سوی شجاع الدوله‏ (75-1754)تکمیل شد،اما در سال 1775 این‏ بناها باز از یکدستی افتادند تا اینکه از سال 1857 به‏ بعد،هم قصر و هم قلعه‏های آن به تدریج از میان رفت. آصف الدوله دربارش را به دولت خانهء جدید انتقال داد، جایی که کاخ آصفی را نیز دربر می‏گرفت و گویا از سوی‏ کلود مارتین(9)در سال 9-1782 ساخته شد. مارتین بعد از ورود به لکنهو،به قدری ترقی کرد که به‏ عنوان مشاور نوابها برگزیده شد.او بر سلیقه‏ها و تمایلات آنان تأثیر می‏گذاشت و برای آنان بناهای‏ مجللی ساخت و آنچه که لازم داشتند از اروپا برایشان‏ وارد می‏کرد.از جملهء این بناها،بنای«موسی باغ» (1780-1804)بود،منزلی که با سبک معماری‏ کلاسیک ساخته شده و دارای یک قسمت رو به جلو و به سمت رودخانه است و به منظور خنک شدن هوا، حیاط آن به طرف خشکی قرار گرفته و اندکی فرو رفتگی در آن پیداست.بنای دیگر کاخ«بی بیاپور» است که در مقایسه،ساده‏تر و بی‏آلایش‏تر ساخته شده. خانهء مسکونی خود کلود مارتین یعنی«فرحت بخش» (1781 م)نشان می‏دهد که با مهارت تمام،موقعیت‏ آب و هوایی و اقلیمی آن در نظر گرفته شده و از مواضع‏ دفاعی قوی و از ظرافت خاصی برخوردار است.در سال‏ 1800 م سعادت علی شاه فرحت بخش را خریداری‏ کرد و از آن به عنوان محل سکونت خود در مرکز قصر بزرگ و تو در تویی که بعدها ساخته شده بود،استفاده‏ می‏کرد.«کانتسانتیا»(لامارتیز)(1795-1800) همچون مقبرهء مارتین اثری جذاب و زیباست که سبک‏ معماری آن به عنوان یک مکتب معماری بعدها دنبال‏ شد.«دل گشا»(نزدیک به 1805 م)توسط سرگور اوسلی به تقلید از سیتون دلاول،خانه‏ای در نورث‏ امبرلند ساخته شد.این مکان به عنوان استراحتگاه‏ سعادت علی خان به هنگام شکار مورد استفاده قرار می‏گرفت.او شکل ایوانی ساختمان را نیز برای خود به‏ عنوان مقبره انتخاب کرد.نواب تا سال 1803 م همهء خانه‏های انگلیسی را به استثنای سه باب خریداری‏

کرده بود و خود او خیابان تازه و زیبایی برای این‏ خانه‏ها احداث کرد.این خیابان در اساس با سبک‏ هندی آن در«حضرت گنج»متفاوت بود.احداث‏ قصرها از سوی او با ایجاد محل گنبددار و لال باردری‏ (قصر السلطان)یا همان اتاق سلطنتی مشبکی شکل با همان زیبایی ندان محل ادامه یافت.غازی الدین چتار منزل را با الحاق«مرحمت بخش»به آن،برای شبستان‏ خود بازسازی کرد.در ساختمان آن،آمیخته‏ای از سبک‏ کلاسیک مارتین و سبک محلی به کار گرفته شد و نیز برای آن گنبدهایی با پیش آمدگی سایبان که دارای‏ آفتابگیرهای زرینی بود درست کرد.با توجه به سبک‏ معماری در«درش بیلاش»(که محل دیدار شاه با مردم‏ بود)ثابت می‏شود که این بنا از روی دقت و با هدف‏ خاصی ساخته شد که متشکل از چهار سردر بود که دو تا به تقلید از«موسی باغ»،یکی به تقلید از«فرحت‏ بخش»و دیگری به تقلید از«دل گشا»ساخته شد که‏ بیشتر آنها در اشعار اردو به تصویر کشیده شده است. اقتباس از اصول هنر معماری غربی در لکنهو،در حد ظاهری و سطحی باقی ماند و حتی در همه بناها از آن‏ استفاده نشد.به سادگی می‏توان به کارگیری انواع‏ مختلف معماری از این دست را در بعضی از قسمتهای نه چندان مهم چون در گچکاری‏های روی دیوارهای‏ آجری مشاهده کرد.این ادعا،در قصر بزرگ«قیصر باغ»که در سال 50-1848 توسط چتامیان برای‏ واجد علی شاه ساخته شده،به طور کامل مشهود است‏ و سبک«رکوکو»(10)با ترکیبی از معماری دورهء تیموری‏ با اصول معماری غربی،بی‏توجه به همهء قوانین خاص‏ آن معماری در این بنا به کار گرفته شده و آن را به شکل‏ بسیار باشکوه و مجللی درآورد،هر چند اثر چندانی‏ اکنون از آن باقی نمانده.

پی‏نوشت:

(1)-جهانگیرشاه امپراتور مغول هند و پسر ارشد اکبرشاه بود.در سال 1008 هـ.ق بر پدر شورید و در«الله آباد»دعوی سلطنت کرد.

پس از وفات پدر،به تخت نشست و خود را ابوالمظفر نور الدین محمد جهانگیر پادشاه غازی خواند.در سلطنت وی،مردم به صلح و رفاه‏ دست یافتند و صنعت و تجارت رونق یافت و معماری و نقاشی و ادب‏ ترقی کرد و خود نیز حامی ادب و هنر بود/م.

(2)-اورنگ زیب یا اورنگ زیب عالمگیر،لقب شاهزاده محی الدین‏ محمد ششمین امپراتور هند از سلسلهء تیموریان هند،و سومین پسر شاه جهان،امپراتور دهلی بود.وی پس از نیل به سلطنت،چنان که‏ رسم تیموریان هند بود،به جای اورنگ زیب،لقب عالمگیر را برای‏ خویش برگزید.او در اوایل عمر گرایش به زهد و اهل زهد داشت،اما در رمضان سال 1068 هنگامی که پدرش بیمار بود،به کمک‏ برادرش مرادبخش شهر اگره را گرفته و پدر را به زندان افکند و خود در دهلی به سلطنت نشست.اورنگ زیب در توسعهء قلمرو خویش‏ اهتمام می‏کرد و در مذهب اهل سنت تعصب تمام داشت و از هندوان‏ جزیه می‏گرفت.وی درباری با شکوه داشت و نزدیک به پنجاه سال‏ سلطنت کرد.

(3)-صوبه:عنوان رسمی ایالات بزرگ هند که در دوره سلطنت‏ اکبرشاه اتخاذ شد.در اواخر عهد اکبر،قلمرو حکومت وی مشتمل بر پانزده صوبه بود و در دورهء اورنگ زیب صوبه‏های دیگر تأسیس شد. عناوین«صوبه دار»و«صاحب صوبه»برای فرمانروایان هر صوبه،در عهد جانشینان اکبر شاه معمول گردید،گرچه در بعضی از صوبه‏ها حاکم را نواب می‏خواندند/م.

(4)-این اتحادیه نقش سخنگوی مسلمانان و مدافع حقوق آنان را به‏ عهده داشت.با تأسیس این حزب،مسلمانان به صورت جمعیت به‏ هم پیوسته‏ای درآمدند که می‏توانستند به نام یک واحد مستقل در میان ملت هند زندگی کرده و از مزایا و حقوق مساوی برخوردار شوند.بیست سال پیش از تأسیس اتحادیه مسلمانان(مسلم لیگ)، کنگرهء ملی تأسیس شده بود،البته حزب مسلم لیگ نتوانست آنچنان‏ که باید و شاید نفوذ توده‏ای پیدا کند/م.

(5)-نام نهضتی است که به وسیلهء جمعی از مسلمانان روشنفکر و مبارز هندوستان برای پشتیبانی از خلافت عثمانی آغاز شده بود.پس‏ از جنگ جهانی اول که رژیم جمهوری به وسیلهء مصطفی کمال پاشا در ترکیه استقرار یافت و خلافت عثمانی منقرض گشت،در بیشتر کشورهای مسلمان(از جمله هندوستان)اقدامات اعتراض‏آمیزی از سوی مردم شروع شد.در انقراض دولت عثمانی،استعمار انگلیس‏ که هندوستان را نیز مستعمرهء خود ساخته بود،نقش اساسی و مؤثر داشت.لذا رهبران مسلمان هند با انگیزهء روح اسلامی،جنبش‏ خلافت را به راه انداخته و به حمایت از دولت عثمانی پرداخته‏اند/م.

(6)-گرچه پیوند پیروان جنبش خلافت با کنگره،پس از جنبش‏ عدم همکاری از هم گسست،و بار دیگر سیل دیگری از خشونتهای‏ ناشی از قوم‏گرایی،نواحی شهری و روستایی هند را دربرگرفت،قابل‏ ذکر اینکه جنبش عدم همکاری به نام‏های نافرمانی مدنی و مقاومت‏ منفی نیز مشهور است که البته به اعتقاد بسیاری،بنیانگذار واقعی آن‏ مسلمانان بودند/م.

(7)-امامبارگاه یا امامباره ساختمانی است شبیه حسینیه در ایران‏ که مجالس عزا و سوگواری اهل بیت(ع)در آن برپا می‏شود/م.

(8)-مقبره‏ای است نزدیک آگره در ساحل جمنا که شاه جهان به‏ یادگار زن خویش نور محل بنا کرد و آن یکی از کامل‏ترین آثار معماری‏ هند مسلمان است که ساخت آن بیست و دو سال به طول انجامید/م.

(9)-یکی از تجار انگلیس که در سال 1776 م به لکنهو آمده‏ بود/م.

(10)-نوعی هنر معماری است برای تزیینات داخلی ساختمان که‏ در اوایل سدهء هجدهم در پاریس به کار گرفته شد،ولی بعدها کل‏ فرانسه و دیگر کشورها از این هنر برای معماری ساختمان استفاده‏ کردند.در این معماری اشکال صدف و گل و دیگر اشیاء زیبا و قیمتی‏ در تزیین اتاقها و مبلها به کار می‏رفت/م.